

پایانی بر تشدید تضادها و منازعات نیست

تضاد و نزاع جمهوری اسلامی با دولت‌های منطقه خاورمیانه و قدرت‌های جهانی، به‌ویژه امپریالیسم آمریکا به نحو روزافزونی در حال تشدید شدن است. تهدیدات نظامی رژیم علیه دولت‌های رقیب که در هفته‌های اخیر به اوج خود رسیده است، ادامه ماجراجویی‌های نظامی در منطقه و اقدامات تروریستی اخیر دستگاه نظامی- امنیتی جمهوری اسلامی علیه سازمان‌های سیاسی مخالف رژیم، مستقر در عراق و حتی در کشورهای اروپایی، که به دستگیری و اخراج دیپلمات‌های رژیم انجامیده است، مناسبات جمهوری اسلامی را با دولت‌های جهان، بیش از هر زمان دیگر، متشنج کرده است. این در حالی است که دولت آمریکا مدام بر دامنه فشارهای سیاسی و اقتصادی خود علیه رژیم حاکم بر ایران، افزوده و در تلاش است با جلب حمایت تعداد هرچه بیشتری از دولت‌های دیگر، حلقه محاصره جمهوری اسلامی را تنگتر کند.

اخیراً دولت آمریکا در مصوبه استراتژی ملی مقابله با تروریسم، جمهوری اسلامی را بزرگترین دولت حامی تروریسم در جهان نامید و مشاور امنیت ملی ترامپ، نیز ضمن این‌که گروه‌های تروریستی اسلام‌گرای افراطی را مهم‌ترین تهدید فراملی برای آمریکا و منافع خارجی آن دانست، جمهوری اسلامی را بانک مرکزی جهانی برای تروریسم بین‌المللی خواند، تا دولت آمریکا دست بازتری در تشدید تحریم‌های اقتصادی و فشار سیاسی داشته باشد. این‌که جمهوری اسلامی یک رژیم تروریست، حامی گروه‌های اسلام‌گرا و سردمدار تروریسم جهانی است، مسئله جدیدی نیست، جمهوری اسلامی از همان آغاز موجودیت خود یک رژیم تروریست و حامی تروریسم جهانی بوده و هست. برجسته کردن این تروریسم توسط دولت آمریکا و برخی از دولت‌های اروپایی، در شرایط کنونی، بازتاب تشدید تضادها و بحران‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی است. کسی فراموش نمی‌کند که اساساً موجودیت جمهوری اسلامی ایران و ایجاد و تقویت دولت‌ها و گروه‌های

در صفحه ۲

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در صفحه ۶

سومین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، گامی به پیش



بیش از ۱۸۰ تن از فعالان اعتصاب سراسری رانندگان کامیون بازداشت و روانه زندان شده‌اند. به‌رغم بازداشت‌های گسترده و تهدیدهای پی در پی مقامات قضایی، امنیتی و انتظامی به مجازات‌های سنگین اعتصابیون، این اعتصاب وارد سومین هفته خود شده و طبقه حاکم موفق به درهم‌شکستن اعتصاب نشده است.

در دو اعتصاب سراسری رانندگان کامیون در اول خرداد و اول مرداد، جز این‌که ۲۰ درصد به کرایه حمل بار اضافه شد که هیچ تناسبی با گرانی‌ها و افزایش قیمت قطعات بدکی ندارد، هیچ‌یک از خواست‌های اعتصاب‌کنندگان برآورده نشد. بی‌اعتنایی به خواست‌ها و سرانجام مشتی وعده توخالی، تمام آن چیزی بود که دولت به

در صفحه ۳

پیام ناشنیده اعتراضات مردم عراق

پس از گذشت نزدیک به ۴ ماه از انتخابات ۲۲ اردیبهشت در عراق، سرانجام رئیس جدید پارلمان عراق، رئیس جمهور و نخست‌وزیر موقت عراق تعیین شدند. بر اساس نظام سهمیه‌بندی پست‌های دولتی، محمد الحلبوسی، نامزد سنی‌ها، به ریاست پارلمان عراق رسید؛ برهم صالح، از اتحادیه میهنی کردستان، به سمت ریاست جمهوری برگزیده شد و عادل عبدالمهدی، سیاستمدار شیعه مأمور تشکیل دولت شد.

از عوامل مؤثر در این تأخیر، نخست، اعلام نتایج انتخابات بود، زیرا در پی اعتراضات، پارلمان پیشین دستور بازشماری دستی آرا را داد که ۳ ماه به طول انجامید. عامل دیگر، عدم کسب آرای کافی از سوی

در صفحه ۸

منافع آشکار جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران در کاهش ارزش ریال

روز چهارشنبه ۱۱ مهر، حسن روحانی در واکنش به گزارش رسانه‌های وابسته به حکومت و ابراز نظر بخش بزرگی از "اقتصاددانان" حامی جمهوری اسلامی در رابطه با نقش کابینه در افزایش بهای ارز، در جلسه کابینه گفت: "این اظهارنظر برخی کارشناسان اقتصادی که دولت برای تأمین نیازهای خود اقدام به افزایش قیمت ارز کرده است، اظهارنظر بی اساسی است و دولت راه‌های کسب درآمد خودش را دارد".

عصبانیت و تکذیب روحانی البته تغییری در واقعیت و اصل ماجرا ایجاد نمی‌کند و آن منافع و درآمدهای جمهوری اسلامی، طبقه

در صفحه ۵

جاسوس پروری در مدارس، تحت لوای احیای امر به معروف و نهی از منکر

هشتم مهرماه سال جاری جاری خبرگزاری‌ها به نقل از علیرضا کاظمی، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش از تدوین و ابلاغ دستورالعمل احیای امر به معروف و نهی از منکر در تمامی کلاس‌های درسی ایران خبر دادند.

علیرضا کاظمی، با تأکید بر سازماندهی دو ساختار امر به معروف، تحت عنوان "یاوران معروف" و "یادآوران معروف" در مدارس ایران اعلام کرد: "یادآوران، دانش آموزانی هستند که از هر کلاس یک نفر در حوزه توسعه و ترویج معروف انتخاب و فعالیت می‌کنند،

در صفحه ۴

پایانی بر تشدید تضادها و منازعات نیست

اسلام‌گرای تروریست، جزئی از استراتژی جهانی قدرت‌های امپریالیست برای مقابله با جنبش‌های کارگری و کمونیستی خاورمیانه و مقابله با اتحاد جماهیر شوروی بود. اکنون اما آنچه که در آن شرایط در خدمت استراتژی امپریالیسم برای حفظ سرمایه‌داری جهانی و تضمین هژمونی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه بود، به‌ویژه از سوی جمهوری اسلامی به تهدیدی برای ثبات دولت‌های منطقه خاورمیانه و هژمونی منطقه‌ای آمریکا تبدیل شده است. اساس نزاع کنونی میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا، دقیقاً بر سر همین مسئله است و نه تروریسم جمهوری اسلامی، یا مسئله هسته‌ای و موشکی آن.

واقعیت امر این است که جمهوری اسلامی ایران، یک دولت اسلام‌گرای معمولی با تلفیق پوشیده دین و دولت که نمونه‌های متعددی از آن را در آسیا و آفریقا می‌توان سراغ گرفت، نیست. جمهوری اسلامی نه‌فقط دولتی است که در آن دین و دولت آشکارا و عمیقاً در یکدیگر ادغام شده‌اند و آخوندهای دستگاه مذهبی نقش اصلی را در مهم‌ترین ارگان‌های دولتی بر عهده‌دارند، بلکه وظیفه خود را گسترش اسلام‌گرایی در جهان، به‌ویژه، بسط و گسترش دامنه نفوذ فرقه شیعه، قرار داده و داعیه متحد ساختن مسلمانان را زیر پرچم دولت دینی جمهوری اسلامی دارد. از این‌رو، پان‌اسلامیسم، بنیاد سیاست خارجی این رژیم را تشکیل می‌دهد.

این سیاست در ذات خود متضمن توسعه‌طلبی و تلاش برای کسب هژمونی، لااقل در منطقه خاورمیانه است. بنابراین پرواضح است که جمهوری اسلامی باید پیوسته با دولت‌های دیگر منطقه و حامیان بین‌المللی آن‌ها، روابطی پرتنش داشته باشد. یک چنین دولتی برای تحقق اهداف خود ناگزیر است که نیروهای نظامی خود را پیوسته افزایش داده و تقویت کند، این نیرو را به سلاح‌های پیشرفته‌تری مسلح سازد، از این رو، میلیتاریسم و نظامی‌گری، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، جزء دیگری از سیاست این دولت است. پیشبرد این سیاست خارجی از همان آغاز، تکیه بر قدرت نظامی، مداخله در کشورهای دیگر از طریق سازمان‌دهی، بسیج و مسلح کردن گروه‌های اسلام‌گرا، تلاش برای سرنگونی دولت‌های رقیب منطقه‌ای، از طریق عملیات مسلحانه، بمب‌گذاری و ترور، به راه انداختن جنگ‌های نیابتی داخلی، مداخله مستقیم و غیرمستقیم، پوشیده و آشکار در جنگ‌های منطقه‌ای بوده است. بنابراین نزاع پایان‌ناپذیر با دولت‌های منطقه و تشدید تضاد با برخی قدرت‌های جهانی، جزئی جدائی‌ناپذیر از این سیاست بوده و خواهد بود. سیاستی که از دوران جنگ ۸ ساله با دولت عراق تا به امروز هزینه‌های سنگینی را بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران تحمیل کرده است و علاوه بر ویرانگری‌های داخلی و منطقه‌ای، صدها میلیارد دلار ثروت کشور را بر باد داده است.

این‌که جمهوری اسلامی به‌رغم تمام بحران‌هایی که اکنون در عرصه داخلی و خارجی با آن‌ها مواجه است، نمی‌تواند از دامنه تشنجات و درگیری‌ها در روابط خارجی خود بکاهد،

از آن‌روست که سیاست توسعه‌طلبانه پان‌اسلامیستی، یکی از ارکان اساسی موجودیت جمهوری اسلامی است و به نحو لاینفکی با سیاست داخلی آن پیوند دارد. لذا مادام که جمهوری اسلامی وجود دارد، نمی‌تواند تغییری در این سیاست رخ دهد.

سیاست خارجی هر دولتی ادامه و بسط سیاست داخلی آن دولت در ورای مرزهای کشور است. ادعای کنبی است که گفته شود دولت یک کشور می‌تواند سیاست خارجی منفک از سیاست داخلی خود داشته باشد. بنابراین ادعای گروه‌ها و دولت‌هایی که خواستار تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی هستند، افسانه‌ای بیش نیست.

جمهوری اسلامی یک دولت دینی استبدادی است که سیاست داخلی آن، استمرار استعمار سرمایه‌داری، با سلب ابتدایی‌ترین حقوق انسانی توده‌های زحمتکش مردم ایران، اختناق، سرکوب و کشتار، به نام خدا و خرافات اسلامی است. همان‌گونه که نمی‌توان از دولتی فوق ارتجاعی که دین و دولت را عمیقاً در یکدیگر ادغام نموده و توده‌های مردم ایران را به اسارت گرفته است، چیزی جز آنچه که در عرصه سیاست داخلی خود انجام داده است، انتظار داشت، بر همین منوال، نمی‌توان در سیاست خارجی رژیم چیزی جز آنچه انجام داده و می‌دهد، انتظار داشت.

تأثیرات مخرب این سیاست خارجی بر شرایط زندگی توده‌های مردم ایران پوشیده نیست. علاوه بر آنچه که پیش‌ازاین به آن اشاره شد، این سیاست، تأثیرات عمیقی بر وضعیت وخیم اقتصادی و شرایط معیشتی کارگران و زحمتکشان برجای گذاشته است. تشدید تضاد و منازعات رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا بر سر هژمونی منطقه‌ای که پی آمد آن تحریم‌های اقتصادی بوده است، در همین چند ماه اخیر از دو جهت تأثیرات جدی برجای گذاشته است. نخست، در کشوری که اساساً درآمد دولت به نفت متکی است، ورشکستگی مالی دولت را تشدید کرده است. اما دولتی که خزانه‌اش تهی است، تلاش می‌کند بار این ورشکستگی را به اشکال مختلف بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش قرار دهد. آنچه که در چند هفته اخیر با گران شدن ارزهای بین‌المللی به‌ویژه دلار رخ داد، تنها یک نمونه از اقدامات دولت برای خالی کردن جیب توده‌های مردم ایران است. از دیگر سو، سرمایه‌داری غرق در بحران ایران، نه‌فقط حتی برای تعدیل، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان انحصارات بین‌المللی دارد که در پی تحریم‌ها متوقف شده است، بلکه از آنجایی که بسیاری از مؤسسات تولیدی نیاز به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای از خارج دارند، تولید در تعدادی از این مؤسسات نیز متوقف شده است.

نتیجه آن نیز، تشدید رکود و افزایش بیکاری است که با کاهش مداوم ارزش ریال و گرانی روزافزون کالاها، افزایش شدید فقر و گرسنگی را در پی داشته است. در چنین شرایطی که اوضاع اقتصادی به نهایت وخامت خود رسیده است و توده‌های زحمتکش مردم در وخیم‌ترین وضعیت معیشتی گرفتارند، رژیم همچنان به ماجراجویی‌های نظامی خود و تشدید منازعات با دولت‌های دیگر ادامه می‌دهد. اکنون دیگر تنها خامنه‌ای و گروه‌های نظامی و سیاسی تحت امر او نیستند که به تهدیدات نظامی و جنگ‌طلبانه ماجراجویی‌های سیاسی و نظامی خود ادامه می‌دهند و خطر حتی درگیری‌های نظامی را افزایش می‌دهند، بلکه امثال حسن روحانی هم از بستن تنگه هرگز و تنگه‌های هرگز دیگر یعنی آمادگی برای درگیری نظامی، سخن می‌گویند. سران دیگر ارگان‌ها و نهادهای رژیم نیز به‌ویژه فرماندهان نظامی با شدت و غلظت بیشتری بر طبل تهدید، درگیری و جنگ می‌کوبند.

اما تنها، ادامه سیاست توسعه‌طلبانه پان‌اسلامیستی نیست که جمهوری اسلامی را به تشدید منازعات و مخاصمات وامی‌دارد، بلکه بحران‌های عمیق داخلی نیز محرک دیگری برای تشدید تضادها و بحران‌های خارجی است.

بحران‌های داخلی جمهوری اسلامی اکنون به درجه‌ای عمق و گسترش یافته و ناراضیاتی و اعتراض آن‌چنان وسعت یافته که رژیم شدیداً احساس خطر می‌کند. لذا می‌کوشد تضادهای خارجی را تشدید کند تا با عمده کردن بحران‌های خارجی، بحران‌های داخلی را تحت‌الشعاع قرار دهد و علاوه بر تلاش برای منحرف ساختن توجه توده‌ها از معضلات داخلی، توجیه دیگری برای تشدید سرکوب و اختناق دست‌وپا کند.

اما بحران‌های داخلی و ناراضیاتی توده‌ای، عمیق‌تر و گسترده‌تر از آن است که این تاکتیک، کار آبی گذشته را داشته باشد. به‌رغم تمام تلاش‌های ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم، دستگیری هزاران تن از مردم ایران از دی ماه سال گذشته تا به امروز، به خیابان ریختن نیروهای مسلح، برپائی مانورهای نظامی در شهرها و نمایش گردهمایی‌های نیروهای سرکوب به‌قصد ایجاد رعب، توده‌های کارگر و زحمتکش، بی‌توجه به تاکتیک‌های سرکوبگرانه رژیم و مجادلات و منازعات با دولت‌های دیگر، پیگیرانه به مبارزه خود برای سرنگونی این رژیم ادامه می‌دهند. چراکه به تجربه دریافته‌اند، راهی برای نجات از بحران‌های داخلی و خارجی و تمام فجایعی که جمهوری اسلامی به بار آورده است، جز سرنگونی این رژیم وجود ندارد. تجربه نیز این واقعیت را به طبقه کارگر و زحمتکشان ایران آموخته است که پیروزی قطعی در این مبارزه، کسب قدرت سیاسی و برپائی حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است تا برای همیشه بر سرنوشت خود حاکم گردند.



سومین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، گامی به پیش

اعتصابیون داد. از این رو با فراخوانی که ۳۱ شهریور از سوی "اتحادیه هماهنگ‌کنندگان رانندگان سراسر ایران" انتشار یافت، سومین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون از اول مهر آغاز شد و به سرعت تقریباً تمام استان‌ها را فرا گرفت و به لحاظ ابعاد و گستردگی، دو اعتصاب پیشین را پشت سر نهاد. اگر نخستین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون ۱۶۰ شهر را پوشش داد، اعتصاب اخیر تاکنون به بیش از ۲۷۰ شهر گسترش یافته است. از این مهم‌تر، در چهارمین روز اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، ناوگان مسافربری خوزستان نیز در حمایت از رانندگان کامیون وارد اعتصاب شد. شرکت‌های مسافربری ایران پیمان، همسفر، تی بی تی، رویال سفر و برخی شرکت‌های دیگر در اهواز، آبادان، خرمشهر، ماهشهر، ایذه و بعضی شهرهای دیگر، کلیه سرویس‌های خود را لغو و غرفه‌های فروش بلیط را تعطیل کردند.

اعتصابیون در دور سوم اعتصاب سراسری خود نیز همه جا بر مطالبات بر حق خویش پافشاری نموده و با حفظ هوشیاری سعی نموده‌اند از هر گونه اقدامی که موجب سوء استفاده دستگاه حاکم شود جلوگیری به عمل آورند و تا این لحظه تمام تلاش‌های مذبحانه رژیم و عمال آن برای ایجاد نفاق و چند دستگی و در هم شکستن اعتصاب را خنثا ساخته‌اند. افزایش دستمزد رانندگان، افزایش حقوق بازنشستگی، افزایش ۷۰ درصدی نرخ کرایه، حق سخنی کار، کسر حق پرداختی بیمه رانندگان، کاهش قیمت قطعات یدکی و توزیع لاستیک با نرخ دولتی، کاهش عوارض راه، حذف دلالان و واسطه‌ها از پایانه‌های باربری، نظارت بر برخورد ماموران راهنمایی و رانندگی و مجازات ماموران رشوه‌گیر، از جمله مهم‌ترین خواست‌های اعتصابیون است. روزهای نخستین اعتصاب اعلام شد، تعرفه لاستیک از ۲۶ درصد به ۵ درصد کاهش یافته است اما در قیمت لاستیک هیچ تغییری حاصل نشد. راننده‌ای که برای یک جفت لاستیک تولید داخلی، چهار ماه قبل ۲ میلیون و صد هزار تومان می‌پرداخت، اکنون باید ۱۰ میلیون تومان بپردازد. قیمت لاستیک‌های خارجی نیز تقریباً به همین نسبت افزایش یافته و به بالای ۱۵ میلیون تومان رسیده است. بنابر گزارش‌های رسانه‌های رژیم قیمت لاستیک و لوازم یدکی از ۲۰۰ تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته است. با این وجود دولت و سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آن، تاکنون از پذیرش خواست‌های رانندگان سر باز زده‌اند. آن‌ها در ابتدا به اعتصاب و اعتراض رانندگان کامیون به کلی بی‌اعتنایی و حتی آن را انکار کردند. سپس با اعلام توزیع لاستیک به قیمت دولتی در بین رانندگانی که اقدام به بارگیری کنند، سعی کردند در میان رانندگان نفاق و دودستگی ایجاد کنند و اعتصاب را در هم بشکنند. اما هوشیاری و اتحاد رانندگان اعتصابی، این تاکتیک را نیز بی‌اثر ساخت. اعتصاب نه فقط پایان نیافت بلکه با گسترش بیشتری روبرو شد. دولت ضد کارگری حاکم از ترس گسترش اعتصاب سراسری به سایر

بخش‌های کارگری، تمام دستگاه سرکوب خود را برای درهم شکستن اعتصاب بسیج کرد. محمد جعفر منتظری دادستان کل، با "فطاح‌الطریق" (راهزن) خواندن رانندگان، اعتصاب‌کنندگان بویژه رهبران اعتصاب را صریحاً به مجازات اعدام تهدید کرد. دادستان عمومی و انقلاب تهران با صدور بخشنامه‌ای خواستار مجازات‌های سخت و شدید و سرکوب رانندگان کامیون در همه استان‌ها و شهرستان‌ها شد. لاریجانی رئیس قوه قضایی و محسنی اژه‌ای سخنگوی این قوه، دادستان‌ها، روسای دادگستری در استان‌ها و شهرستان‌ها، فرماندهان ارشد انتظامی همه و همه علیه اعتصاب‌کنندگان شمشیر کشیدند. اعتصاب سراسری رانندگان کامیون "اخلال در نظم و امنیت"، "محرابه" و "افساد فی‌الارض" نام گرفت و اجرای ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی یعنی اعدام سازماندهندگان اعتصاب به میان کشیده شد. به فاصله چند روز ده‌ها تن در شهرها و استان‌های مختلف بازداشت و زندانی شدند. به منظور تشدید فضای ناامنی و ارباب بیشتر و برای خاموش ساختن فوری شعله‌های اعتصاب، مامورین سرکوب انتظامی و اطلاعاتی به جاده‌ها و پایانه‌های بار سرازیر شدند. اعلام شد پرونده بازداشت شدگان خارج از نوبت رسیدگی و احکام مجازات‌های شدید و سنگین صادر می‌شود. همزمان با این سرکوب‌ها عبداله‌اشم حسن‌نیا معاون وزیر راه و شهرسازی و رئیس سازمان راهداری حمل و نقل جاده‌ای، با راه‌اندازی برخی از کامیون‌های متعلق به این سازمان در روز ۱۴ مهر، اعلام کرد اعتصاب پایان یافته و اوضاع به حالت عادی بازگشته است. اما اعتصاب سراسری رانندگان کامیون روز ۱۴ مهر با قوت ادامه داشت.

پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، سخت به وحشت افتاده است. بویژه آن‌که دور سوم اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، به ناوگان مسافربری استان خوزستان نیز تسری یافت. روشن است که اعتصاب رانندگان کامیون در ادامه خود می‌تواند تمام ناوگان مسافربری را نیز به اعتصاب بکشاند. به‌رغم این، دولت تا این لحظه هیچ‌یک از خواست‌های اعتصابیون را برآورده نساخته، حتی لاستیک مورد نیاز آن‌ها را نیز نتوانسته است تامین کند. در حال حاضر تنها ۲۰ درصد لاستیک مورد نیاز حمل‌ونقل جاده‌ای در داخل و ۸۰ درصد آن از طریق واردات تامین می‌شود. بنابر گزارش تسنیم نیاز سالانه ناوگان حمل و نقل بار کشور حدود ۵ میلیون حلقه لاستیک است که دولت در بهترین حالت می‌خواهد ۵۰ هزار حلقه لاستیک توزیع کند. دستگاه دولتی و عمال درجه اول آن جز وعده چیزی به رانندگان نداده‌اند. رئیس "انجمن صنفی تابر" در گفتگو با روزنامه "جوان" می‌گوید، به زودی خط تولید جدیدی برای تولید تابرهای کامیون و اتوبوس با ظرفیت ۲۵ هزار تن راه‌اندازی می‌شود! آن‌چه که اما به نقد و در عمل تحویل رانندگان اعتصابی شده، سرگردانی،

ارباب، بازداشت و زندان و در یک کلمه سرکوب بیشتر بوده است.

جمهوری اسلامی بر این خیال باطل است که با ارباب و سرکوب بیشتر می‌تواند، رانندگان معترض را خاموش سازد و راه را بر اعتصابات سراسری آن‌ها مسدود سازد. سه اعتصاب سراسری رانندگان طی پنج ماه که هر بار با گام‌های جدیدی در راستای اتحاد و انسجام بیشتر رانندگان حمل‌ونقل جاده‌ای همراه شده، پیشاپیش بر این سیاست مهر شکست و ناکامی کوبیده است. رانندگان کامیون در اعتصابات خود هر بار تجارب جدیدی اندوخته‌اند و با انسجام و اتحاد و اعتماد به نفس بیشتری پا به میدان مبارزه گذاشته‌اند. سازماندهی اعتصاب سراسری اخیر نشان داد که رانندگان پیشرو گام‌های مهم و موفقیت‌آمیزی در راه ایجاد یک تشکیلات محکم و سرتاسری برداشته‌اند. آن‌ها توانسته‌اند حمایت بخش‌هایی از رانندگان ناوگان مسافربری را نیز جلب کنند. نخستین جرعه در ناوگان مسافربری استان خوزستان زده شد. این جرعه به سایر استان‌ها و بخش‌های کارگری نیز سرایت خواهد کرد.

دور سوم اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، با حمایت‌های بیشتری روبرو شد. اعلام حمایت و پشتیبانی از اعتصاب چه در شبکه‌های مجازی و رسانه‌ها، چه توسط سازمان‌ها، احزاب و تشکل‌های سیاسی و کارگری، نسبت به اعتصابات پیشین فزونی گرفت. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به اتفاق سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، جمعی از فعالان صنفی معلمان ایران و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، با صدور بیانیه مشترکی در تاریخ دهم مهرماه، ضمن حمایت از رانندگان کامیون و مطالبات آن‌ها، "مقابله پلیسی - امنیتی - قضایی" با اعتصاب کامیون‌داران و رانندگان کامیون را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط بازداشت‌شدگان و منع پیگرد و تعقیب و تهدید آن‌ها شدند. در سطح بین‌المللی نیز فدراسیون جهانی کارگران حمل‌ونقل (ITF)، برخی از اتحادیه‌های کارگری در سوئد، کانادا، اتحادیه بین‌المللی رانندگان کامیون‌های باری آمریکای شمالی از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و مطالبات آن‌ها حمایت کردند. لازم به ذکر است که این گونه حمایت‌ها پشتیبانی از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون اگرچه امر بسیار مثبت و مفیدی است و می‌تواند موجب تقویت روحیه اعتراضی و اعتماد به نفس بیشتر اعتصاب‌کنندگان شود، اما به تنهایی کافی نیست. این گونه اقدامات زمانی موثرتر خواهند شد که با بسیج نیرو به سود اعتصاب‌کنندگان، دست زدن به اعتصاب در حمایت از اعتصاب‌کنندگان و باز کردن جبهه‌های جدید علیه رژیم و اقدامات و کمک‌ها و حمایت‌های عملی تکمیل شوند.

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه شود، ایجاد صندوق‌های کمک و همیاری برای اعتصاب است که گام‌های اولیه‌ای در این جهت برداشته شده است. روشن است که تداوم اعتصاب سراسری رانندگان کامیون مانند هر اعتصاب طولانی مدت دیگری بدون توانایی مالی برای تامین نیازهای اولیه رانندگان مزدبگیر و شاگرد

جاسوس پروری در مدارس، تحت لوای احیای امر به معروف و نهی از منکر

یادآور آن معروف نیز یکی از همکاران مدرسه از معلمان تا ناظم به عنوان مربی و سرپرست دانش آموزان منتخب در راستای اجرای سیاست های ابلاغیه کار را مدیریت می کند.

بر اساس محتوای ابلاغیه فوق قرار است در تمامی کلاس های مدارس دوره ابتدایی و متوسطه از میان معلمان و دانش آموزان افرادی برای "امر به معروف" و "تذکرات دینی" به دانش آموزان هر کلاس گمارده شوند.

علیرضا کاظمی، در ادامه صحبت های خود، برای کمرنگ کردن هدف اصلی این ابلاغیه که همانا اشاعه خبرچینی، جاسوس پروری، پلیسی کردن مدارس و در یک کلام ایجاد فضای رعب و وحشت در کلاس های درس است، گفت: "راستگویی"، "کار و تلاش" در راستای اقتصاد مقاومتی و حمایت از کالای ایرانی و نیز "احسان به پدر و مادر" از جمله سه محتوای این ابلاغیه هستند که برای دوره ابتدایی، متوسطه و خانواده ها در نظر گرفته شده است.

اگرچه کنترل سطوح مختلف جامعه، از مهد کودک گرفته تا مدارس، از دبیرستان تا دانشگاه، از کوچه و خیابان تا اندرون خانه و سرک کشیدن به زندگی خصوصی توده های مردم ایران امر تازه ای نیست که اکنون شاهدش باشیم، اما، شیوه جدیدی را که وزارت آموزش و پرورش در خصوص کنترل مدارس، معلمان و دانش آموزان برگزیده است، بی تردید اقدامی کاملا متفاوت با گذشته است. اقدامی شمشیر کننده که به تبعیت از اعمال سیاست های کلی نظام در امر سرکوب و امنیتی کردن بیشتر جامعه در شرایط کنونی انجام گرفته است.

پوشیده نیست که جمهوری اسلامی همواره با اعمال سرکوب های عریان و امنیتی نگه داشتن فضای جامعه به حیات ننگین خود ادامه داده است. هیئت حاکمه ایران بدون کشتار و سرکوب، بدون بگیر و ببند، بدون زندان، بدون ایجاد رعب و وحشت در سطوح مختلف جامعه، حتا یک روز هم قادر به ادامه حیات نیست. طی چهل سال گذشته، توده های مردم ایران در هیچ دوره ای از ساطور دستگاه های سرکوب و ستم این نظام ارتجاعی در امان نبوده اند. کارنامه فضاقت بار جمهوری اسلامی در اعمال تبعیضات جنسی و بی حقوقی محض زنان آنچنان آشکار است که نیاز به هیچ توضیحی ندارد. اعمال ستم، سرکوب، کشتار و بگیر و ببند توده های وسیع مردم، از کارگران گرفته تا دانشجویان و معلمان، از اقلیت های دینی تا ملیت های تحت ستم، از شاعران و نویسندگان تا روزنامه نگاران و فعالان سیاسی - اجتماعی طی چهار دهه گذشته امر متداول هیئت حاکمه ایران بوده و همه گروه های اجتماعی هر کدام به نوعی مستقیم و غیر مستقیم شلاق سرکوبگری های جمهوری اسلامی بر کرده شان نشسته است. با این همه و به رغم بکارگیری انواع شیوه های سرکوب عریانی که جمهوری اسلامی تاکنون علیه توده های مردم ایران به کار گرفته است، نهادهای به ظاهر فرهنگی نیز از جمله

ابزارهایی هستند که در گستره ای وسیعتر در خدمت دستگاه های عریض و طویل سرکوب بوده اند.

بکارگیری این شیوه سرکوب غیر عریان که عموماً از طریق نهادهای فرهنگی و آموزشی وابسته به دستگاه قدرت اعمال می شود، علاوه بر کاربست عمومی آن در سطوح مختلف جامعه، بیش از همه در وزارت آموزش و پرورش و کلاس های درس متداول بوده است. جاسوسی، کنترل افکار معلمان غیر خودی و دانش آموزان، ترویج خرافات دینی و ایجاد فضای پلیسی از جمله شیوه های متداولی است که جمهوری اسلامی برای تحمیل بیشتر مردم از همان بدو ورود کودکان به مهدکودک تا دوره های بالاتر آموزشی به طور پیگیر و مستمر به کار گرفته است. با این همه، نتیجه و حاصل این همه سرمایه گذاری برای نظام چه بوده است؟

در واقع هیچ وضعیت کنونی و شرایط عینی جامعه نشان می دهد که همه آن تلاش ها و سرمایه گذاری های کلان جمهوری اسلامی در این مسیر نقش بر آب شده اند. همان دانش آموزانی که در نظام آموزشی کشور و در فضای پلیسی مدارس پرورش یافته اند، اکنون در مقابل جمهوری اسلامی و سیاست های سرکوبگرانه آن قد علم کرده اند. در دهه های گذشته و در شرایطی که مدارس ایران بخشی از حیاط خلوت جمهوری اسلامی بود، نوجوانان و دانش آموزان تربیت شده در همین نظام ارتجاعی این چنین سلحشورانه در مقابل حاکمان اسلامی سپینه سپر کرده اند، تا چه رسد به شرایط کنونی و در وضعیتی که طبقه حاکم در بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست و پا می زند و جامعه نیز به دوران اعتلای انقلابی گام نهاده است.

در دوره ای که هنوز دانش آموزان و توده های مردم ایران در توهم جمهوری اسلامی بودند، سیاست های به اصطلاح فرهنگی و در واقع پلیسی و جاسوس پروری هیئت حاکمه ایران در مدارس این چنین با شکست و رسوایی مواجه شده است، تا چه رسد به شرایط کنونی که دروغ، دزدی، فساد و بحران های ناعلاج، تمام تار و پود جمهوری اسلامی را فرا گرفته و دانش آموزان نیز در تجربه عینی خود بجز ریا، دروغ و فریبکاری تجربه دیگری از نظام جمهوری اسلامی ندارند.

در چنین وضعیتی، سخنان علیرضا کاظمی، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش مبنی بر اینکه یکی از سه محتوای تدوین و ابلاغیه "امر به معروف و نهی از منکر" همانا ترویج "راستگویی" در میان دانش آموزان است، به مزاحی برای خندیدن بیشتر شبیه است تا ترویج "راستگویی" در مدارس.

بهرغم تمام واقعیات موجود و اینکه جمهوری اسلامی در این مسیر با شکست قطعی مواجه شده است، اکنون این پرسش مطرح است که چه اتفاقی در جامعه افتاده و یا در شرف رخ دادن است که وزارت آموزش و پرورش این چنین به

تکاپو افتاده تا مجدداً سیاست امنیتی و پلیسی را تحت پوشش امر به معروف و نهی از منکر در کلیه کلاس های دوره ابتدایی و متوسطه سازماندهی کند؟ آنهم نه از طریق عوامل مزدوری که تا پیش از این تحت عنوان معلمان امور دینی و تربیتی در امر کنترل معلمان و دانش آموزان و نیز ترویج خرافات دینی همواره فعال مایشاء در مدارس بوده اند، بلکه اینبار امر جاسوس پروری، خبرچینی و پلیسی کردن مدارس را به صورت "انتخابات" و گماردن افراد به ظاهر "منتخبی" از میان دانش آموزان و معلمان، پیش ببرند. یعنی اینبار از طریق خود معلمان و دانش آموزان هر کلاس فضای مدارس را به محیطی برای جاسوس پروری و ترویج خرافات دینی تبدیل کنند. یا آنگونه که معاونت پرورشی و فرهنگی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی اعلام کرده: "هدف از اجرای این ابلاغیه در مدارس، سهیم شدن تمامی معلمان از معلم ریاضی تا زبان انگلیسی در امر آموزش امر به معروف و نهی از منکر به دانش آموزان است."

پاسخ به این پرسش در یک جمله نهفته است. وجود بحران انقلابی در جامعه و اعتلای انقلابی موجود که از دیماه گذشته شکل گرفته است. هم اینک کارگران، معلمان و دیگر اقشار توده های زحمتکش ایران در شرایط تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی قرار دارند. در وضعیت موجود، که بحران های متعددی جامعه ایران را فراگرفته است و توده های وسیعتری از معلمان و دانش آموزان به عرصه نبرد با جمهوری اسلامی روی آورده اند، پوشیدنی نیست که چشم انداز شکل گیری اعتصاب عمومی معلمان، مسئولان نظام و معاونت پرورشی و فرهنگی جمهوری اسلامی را به وحشت و هراس افکننده است. آنان به خوبی می دانند که در صورت وقوع چنین امری، دانش آموزان آگاه و مبارز نیز در گستره ای وسیعتر همراه و یاری رسان معلمان و فرهنگیان در اعتصاب آتی خواهند بود.

لذا، با چنین چشم اندازی از اوضاع بحرانی رژیم و اعتلای انقلابی موجود در جامعه و نیز ناراضیاتی معلمان است که جمهوری اسلامی تحت پوشش احیای "امر به معروف و نهی از منکر" به تلاشی منبوهانه برای کنترل و امنیتی کردن فضای مدارس روی آورده است. سیاست امنیتی و سرکوبگرانه ای که در طی هفته های گذشته در کلیت جامعه با شدت و حدت بیشتری به راه افتاده است و همچنان در حال گسترش است.

ابلاغیه مورد نظر علیرضا کاظمی، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی نیز نمی تواند جدا از شرایط بحرانی جامعه و سیاست کلی نظام باشد. سیاستی که با توجه به اوضاع و احوال کنونی جامعه و موقعیت نابسامان جمهوری اسلامی، شکست قطعی آن از هم اکنون در مدارس قابل پیش بینی است و چه بسا اساساً حتا به مرحله اجرا هم نرسد.

زنده باد سوسیالیسم

منافع آشکار جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران در کاهش ارزش ریال

سرمایه‌دار و نهادهای مالی نظام سرمایه‌داری حاکم مانند بانک‌ها از کاهش ارزش ریال و بالا و پایین شدن نرخ دلار بدست آوردند.

یک نمونه واضح آن، بانک‌های ورشکسته جمهوری اسلامی هستند که تنها در یک مورد، یعنی بدهی آن‌ها به بانک مرکزی به ۱۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده که از این میزان ۱۰۰ هزار میلیارد تومان مربوط به بانک‌های خصوصی است. براساس گزارش تیرماه بانک مرکزی بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در طول سال گذشته به طور متوسط ۴/۳۲ درصد رشد داشت. رشد بدهی بانک‌های غیردولتی و موسسات اعتباری براساس این گزارش ۱/۱۱۰ درصد بوده است.

با کاهش ارزش ریال، ارزش ریالی دارایی‌های ثابت بانک‌های ورشکسته افزایش پیدا کرد، اما بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و سپرده‌گذاران که آن هم به صورت ریالی است هیچ تغییری نکرد و در نتیجه با این تغییرات، حداقل برخی از بانک‌های ورشکسته - حتی اگر شده به صورت موقت - حساب بدهی و دارایی‌هایشان به سمت مثبت گرایش پیدا کرد و از میزان واقعی بدهی بانک‌ها به دلیل کاهش ارزش ریال کاسته شد. هم از قدرت خرید پول سپرده‌گذاران کاسته شد و هم از ارزش ریالی سایر بدهی‌های بانک‌ها.

دیگر برنده‌ی بزرگ کاهش ارزش ریال آن دسته از سرمایه‌داران بزرگی هستند که در صادرات و واردات دست دارند. برای نمونه صادرکنندگانی که در کالاهای صادراتی‌شان از ارز ۴۲۰۰ تومانی بهره می‌برند، یا صادرکنندگان برخی از اقلام غذایی. اما در این میان بزرگترین‌هایشان صادرکنندگان صنایع پتروشیمی و مواد معدنی هستند. در نامه‌ی اخیر ۵۰ اقتصاددان جمهوری اسلامی خطاب به سران سه "قوه‌ی" جمهوری اسلامی آمده است که "در اثر افزایش نرخ ارز و بهای فروش داخلی، ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانت ارزی نصیب صادرکنندگان مواد خام و اولیه معدنی و فلزی نظیر سنگ آهن و فولاد شده است که البته ۳۰ درصد این رانت نصیب دولت می‌شود".

صنایع پتروشیمی نیز بابت تفاوت ریالی و دلاری نرخ خوراک این صنایع و پولی که بابت فروش ارز در بازار بدست می‌آورند، حداقل رانتی ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی از این راه به جیب می‌ریزند. جالب آن‌که صنایع پتروشیمی نیز عموماً به اصطلاح آن‌چه که در ایران معروف شده "خصولتی" هستند.

دولت جمهوری اسلامی اما بزرگترین برنده‌ی کاهش ارزش ریال تا این‌جا بوده است. براساس قانون بودجه سال ۹۷، درآمد نفتی شش ماهه اول سال، حدود ۸۹ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود. این برآورد براساس هر دلار برابر با ۳۵۰۰ تومان و قیمت هر بشکه نفت ۵۵ دلار بود. اما در واقعیت قیمت هر بشکه نفت به طور متوسط در شش ماهه اول سال به ۶۸ دلار افزایش یافت و درآمد نفتی ایران به ۳۱ میلیارد

و ۷۴۰ میلیون دلار رسید. همچنین بهای دلار نیز افزایش یافت، حتی بهای دلار برای کالاهای اساسی به ۴۲۰۰ تومان رسید.

حال اگر بپذیریم که ۱۰ میلیارد دلار از دلارهای نفتی صرف خرید کالاهای اساسی با ارز ۴۲۰۰ تومانی شده است، سرنوشت بقیه دلارها مشخص نیست. و اگر این دلارها - یعنی ۲۱ میلیارد و ۷۴۰ میلیون دلار - با نرخ بازار آزاد فروش رفته باشند، و قیمت هر دلار را به طور متوسط در این دوره ۱۳ هزار تومان در نظر بگیریم، رقمی معادل ۲۱۰ هزار میلیارد تومان پول، اضافه بر بهای هر دلار یعنی ۲۵۰۰ تومان به جیب جمهوری اسلامی سرازیر شده است. حال از دلارهایی که از قبل در دست دولت بود می‌گذریم. حتی به نوشته‌ی روزنامه "فرهیختگان" دولت ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بابت افزایش بهای نفت و کاهش ارزش ریال درآمد اضافه داشته است و این تازه یک جنبه‌ی قضیه است. طرف دیگر موضوع بدهی کلانی است که دولت دارد و کاهش ارزش ریال از این جهت نیز منافع بسیار زیادی برای دولت ورشکسته جمهوری اسلامی دارد.

ورشکستگی مالی دولت از سویی و همین منافع سرشار دولت از بالا رفتن بهای ارز است که باعث شد حتی رسانه‌های وابسته به نظام و "اقتصاددانان" جمهوری اسلامی انگشت اشاره را به سمت کابینه‌ی روحانی و نقش کابینه و مجلس در کاهش ارزش ریال بگیرند. به نوشته‌ی روزنامه فرهیختگان، "وقتی که ۸۰ درصد عرضه بازار ارز در دست دولت است، چگونه می‌توان در این بازار اخلاص ایجاد کرد". در واقع باید گفت که بیش از ۹۹ درصد ارزی که وارد کشور می‌شود، یا مستقیم در دست دولت است و یا در دست عوامل دولت و سرمایه‌دارانی است که این دولت در خدمت آن‌هاست. پس چگونه می‌توانند چند دلال کوچک با قدرت مالی محدود خود در این بازار اخلاص ایجاد کنند؟! این ارزها که از هوا وارد کشور نمی‌شوند. کسانی نفت، محصولات پتروشیمی، سنگ آهن و غیره می‌فروشند و دلار بدست می‌آورند و این‌ها یا مستقیم در دست دولت است یا غیرمستقیم. دولت هم مانند همیشه توسط عوامل خود همچون "سلطان سکه" و "زنجانی"‌ها این دلارها را در بازار به فروش می‌رساند.

به همین دلیل است که حسین راغفر "استاد اقتصاد" "دانشگاه الزهرا" روز ۱۳ مهر در گفتگو با خبرگزاری دولتی "ایلنا" می‌گوید: "وقتی مشخص شد که این بازی خود دولت و مجلس است، آنها سعی کردند با منحرف کردن افکار عمومی این افزایش را به عوامل خارجی مانند سایت‌های خارجی حواله دهند، مگر این سایت‌ها یک شبه بوجود آمدند؟ ... این کاهش و با این سرعت در عرض یک روز نشان دهنده وجود عوامل داخلی در پشت این قضایا است و بازیگران اصلی نوسانات اخیر در بالا و پایین بردن آن، عوامل داخلی هستند و سعی می‌کنند با القای شوک به جامعه این طور وانمود کنند که

نرخ دلار کاهش یافته است... حتی نرخ دلار ده هزار تومانی را نیز نمی‌توان کاهش نرخ تلقی کرد، چرا که در این صورت نرخ دلار نسبت به سال گذشته تقریباً سه برابر شده است".

وی بر این نکته تأکید کرد که پیامد کاهش ارزش ریال گسترش فقر در جامعه است. این موضوعی است که در نامه ۵۰ اقتصاددان جمهوری اسلامی به سران "قوا" نیز آمده است. در این نامه با اشاره به تشدید رکود در اثر افزایش نرخ دلار چنین می‌خوانیم: "پرسش نگران کننده این است که با افزایش شدید بیکاری و تورم، خانواده‌های کارگری با حداقل دستمزد حدود یک میلیون تومانی چگونه باید روزگار سپری کنند؟ بر اساس گزارش‌های جدید جهانی خط فقر شدید، مصرف یک خانوار سه نفره، به میزان ۱۷۰ دلار در ماه مشخص شده است. در اینصورت با استقرار دلار ۹ هزار تومان به بالا، حداقل نیمی از جمعیت کشور به زیر خط فقر مطلق می‌رود". از این‌جا به بازنده اصلی کاهش ارزش ریال یعنی کارگران و زحمتکشان می‌رسیم. کسانی که از قدرت خریدشان در اثر کاهش ارزش ریال به شدت کاسته شده است. به گفته‌ی فرامرز توفیقی از اعضای "شورای عالی کار" در گفتگو با خبرگزاری "ایلنا" (۱۲ مهر) "قدرت خرید کارگران در ششم مهر سال جاری نسبت به ابتدای سال ۹۰ درصد کاهش یافته است".

در نامه اقتصاددانان به سران "قوا" نیز تأثیر افزایش بهای ارز و کاهش ارزش ریال در وضعیت معیشتی مردم این‌گونه آمده است: "معضل بزرگ شکل گیری این قیمت‌های بالا این است که بالاترین قیمت ارز ملاک قیمت گذاری طلا، کالاهای مصرفی بادوام، بسیاری اقلام دیگر و حتی تولیدات داخلی قرار می‌گیرد و چنانچه در سه شوک ارزی قبلی تجربه شده، با استمرار آن طی یک سال آینده، شاخص کل قیمت‌ها و خدمات نیز خود را با آن همراه خواهد کرد". واقعیت این است که نه در یک سال آینده که از چندی پیش بهای عموم کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم متأثر از کاهش ارزش ریال افزایش سرسام‌آوری یافته و البته این روند همچنان ادامه خواهد داشت. این همان چیزی است که مردم را به خشم آورده و "اقتصاددانان" جمهوری اسلامی را نگران!!

یکی از مهم‌ترین نتایج کاهش ارزش ریال که دست دولت جمهوری اسلامی در آن آشکار است و برای طبقه سرمایه‌دار منافع زیادی به همراه دارد، همانا کاهش بهای نیروی کار است. معنای کاهش قدرت خرید کارگران، کاهش دستمزدهای واقعی کارگران است و بدین ترتیب کابینه‌ی روحانی توانست نیروی کار ایران را به یکی از ارزان‌ترین نیروهای کار در سطح جهان تبدیل کند که آرزوی هر سرمایه‌داری است. در یک کلام نتیجه‌ی کاهش ارزش ریال، افزایش فاصله‌ی طبقاتی، افزایش گروه‌هایی که به زیر خط فقر پرتاب می‌شوند، و افزایش ثروت در دست افرادی محدود است.

در آخر باید بر این نکته نیز تأکید کرد که در ارتباط با کاهش بهای دلار و سقوط از ۲۰ هزار تومان به رقمی پیرامون ۱۳ تا ۱۴ هزار تومان نیز دست دولت و به طور خاص کابینه‌ی روحانی در آن پیداست. این کار که با عرضه‌ی زیاد دلار از سوی دولت در بازار، مسدود کردن

منافع آشکار جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران در کاهش ارزش ریال

۴۳ سایت و کانال قیمت‌گذاری ارز، دستگیری تعدادی از دلالتان خیابانی و اعلام ممنوعیت فروش ارز در خیابان، و از همه مهم‌تر ایجاد جو روانی توسط رسانه‌ها و حتا کانال‌های تلگرامی تحت کنترل دولت در رابطه با کاهش قیمت دلار انجام شد، با این هدف صورت گرفت که جمهوری اسلامی از نظر روانی این مساله را در جامعه القا کند که اوضاع از کنترلش در نرفته و دولت قادر است تا قیمت دلار را کنترل کند و پایین آورد. همان موضوعی که حتا جنتی نیز به آن اعتراف کرد و گفت "رویه فعلی اداره کشور به صورتی است که برخی مردم احساس می‌کنند کشور رها شده است".

جمهوری اسلامی حتا تلاش کرد تا بخشی از دلارهایی را که ۲۰ هزار تومان فروخته بود متاثر از این جو روانی توسط بانک‌ها حدود ۱۰ هزار تومان بخرد، هر چند که کسی حاضر به فروش دلار به این نرخ نشد. روزنامه "آفتاب یزد" در گزارش روز ۵ شنبه خود در رابطه با بازار دلار با بیان این که حتا دلار ۱۴ هزار تومانی هم برای خرید وجود ندارد، نوشت حتا برخی از صرافیه‌ها قیمت ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان برای دلار می‌دهند اما اگر بخواهی بخری می‌گویند دلار برای فروش نداریم و فقط خریداریم!!! در واقع و برخلاف انتظار دولت، با پایین آمدن دلار همه خریدار شدند تا فروشنده و این تنها افراد بسیار محدودی بودند که دلار برای فروش عرضه کردند از جمله کسانی که از خارج به ایران آمده و به ریال نیاز داشتند.

واقعیت این است که کاهش حدود ۳۵۰ درصدی ارزش ریال نسبت به سال گذشته نتیجه‌ی بحران اقتصادی رکود - تورمی است که مدام بر عمق آن افزوده می‌شود. جمهوری اسلامی نیز قادر به هیچ کاری برای مقابله با این بحران نیست. در اقتصاد بحرانی ایران، مدام بر عمق رکود افزوده می‌شود و تورم روند صعودی می‌یابد. مقابله با این بحران اقتصادی احتیاج به اتخاذ آن چنان سیاست‌های رادیکال اقتصادی دارد که هیچ جناحی از طبقه حاکم سرمایه‌دار قادر به انجام آن نیست. این اقدامات در شرایط کنونی تنها از عهده‌ی طبقه کارگر و با برقراری حکومت شورایی برمی‌آید که ملی کردن بانک‌ها، تجارت خارجی، کنترل کارگری بر تولید و توزیع و مصادره کارخانه‌های بزرگ، تنها فوری‌ترین و اولین قدم‌های آن هستند.

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

در تاریخ پنج مهر، سازمان فدائیان (اقلیت) اطلاعاتی ای با عنوان "از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون حمایت و بازداشت و ارباب فعالان اعتصاب را قویاً محکوم می‌کنیم" انتشار داد. در این اطلاعیه چنین می‌خوانیم: "بر اساس آخرین خبرهایی که به سازمان رسیده، نهاد های امنیتی در شهرهای مختلف اقدام به دستگیری فعالان اعتصاب سراسری رانندگان کامیون نموده اند. برخی دیگر از فعالان اعتصاب که در شبکه های اجتماعی فعال هستند نیز مورد تهدید و ارباب دستگاه سرکوب قرار گرفته و بسیاری دیگر به دستگاه امنیتی، فرا خوانده شده اند." در ادامه اطلاعاتی ضمن اشاره به وحشت رژیم از اتحاد و یکپارچگی رانندگان و اعتصاب ناوگان مسافری خوزستان در حمایت از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، چنین آمده است: "شرکت های مسافری ایران پیما، همسفر، تی بی تی، رویال سفر و برخی شرکت های دیگر در اهواز، آبادان، خرمشهر، ماهشهر، ایذه و برخی دیگر از شهرها، کلیه سرویس های خود را کنسل نموده و غرفه های فروش بلیط را تعطیل کردند. اعتصاب سراسری رانندگان و کامیونداران و پیوستن ناوگان مسافری عمومی استان خوزستان به این اعتصاب، ترس و وحشت رژیم را دوچندان نموده است." اطلاعاتی سپس با اشاره به وعده های دروغین مقامات حکومتی می‌نویسد: "روشن است که اعتصاب کنندگان نمی‌توانند و نباید به دروغ ها و وعده های توخالی مقامات دولتی امید ببینند. آن ها تنها با اتحاد و ادامه اعتصاب سراسری و جلب حمایت سایر رانندگان و کارگران و با یک مبارزه متشکل و سازمان یافته قادر خواهند بود به خواست های خود برسند." در پایان اطلاعاتی چنین آمده است:

سازمان فدائیان (اقلیت) بار دیگر از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و تمام مطالبات آن ها حمایت می‌کند. سازمان فدائیان (اقلیت) ورود کارگران و رانندگان ناوگان مسافری خوزستان به صحنه مبارزه و حمایت فعال این زحمتکشان از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون را به فال نیک می‌گیرد و رانندگان ناوگان مسافری در سایر استان ها، همچنین کارگران بندر و رانندگان اتوبوس های شهری را به حمایت فعال از اعتصاب سراسری رانندگان کامیون فرا می‌خواند.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت و دفاع از فعالان اعتصاب سراسری و تلاش مجدانه آن ها برای ایجاد تشکل مستقل و سازماندهی مبارزه متشکل، بازداشت و ارباب این فعالان را قویاً محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط بازداشت شدگان است.

از صفحه ۳ سومین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون، گامی به پیش

عین حفظ اتحاد رانندگان مزدبگیر با سایر رانندگان و کامیون‌داران در مقابله با دولت، جای خاصی نیز به منافع مزدبگیران اختصاص یابد به نحوی که خواست‌ها و منافع رانندگان مزدبگیر در لایه‌ی منافع عمومی‌تر ناپدید نشود و تحت‌الشعاع منافع کامیون‌داران قرار نگیرد. در عین حال ظرافت موضوع نیز در همین جاست که طرح مطالبات اخص رانندگان مزدبگیر باید بگونه‌ای باشد که اتحاد و همبستگی و همگرایی ضروری در لحظه فعلی در برابر دولت مستبد و سرکوبگر جمهوری اسلامی را نشکند و از هم نگسلد. از یاد نبریم که رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک رشته اعتصابات سراسری، اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون ساخت.

سومین اعتصاب سراسری رانندگان کامیون و کامیون‌داران، اتحاد و انسجام، اعتماد به نفس، تشکلیابی بیشتر و پیشرفت مبارزه آن‌ها بر متن شرایط بحرانی و اوضاع سیاسی پرتلاطمی که در جای جای جامعه موج می‌زند، عصبانیت و کینه رژیم ارتجاعی حاکم و تمام حافظان نظم موجود را در پی داشته است. تشدید ارباب و سرکوب اگرچه واکنش طبقه حاکم در برابر پیشرفت و تعالی مبارزات رانندگان و تشکلیابی آنان و ترس از تسری اعتصاب به ناوگان حمل‌ونقل مسافری و خطوط ریلی و سایر بخش‌های کارگری و گر گرفتن یک اعتصاب عمومی سیاسی سراسری است، اما نمی‌تواند مانعی جدی در برابر این روند ایجاد کند. روندی که از دی‌ماه ۹۶ آغاز شده و تا به زیر کشیده شدن تمام نظم موجود ادامه خواهد یافت.

راننده‌ها که موتور محرکه این اعتصاب هستند، بسیار سخت و دشوار خواهد بود. از این رو ضروری است صندوق‌های کمک برای یاری رساندن به محروم‌ترین و زحمتکش‌ترین رانندگان کامیون را سازمان داد. این صندوق‌ها می‌توانند با ابتکار عمل رانندگان پیشرو در شهرها و استان‌های مختلف و یا در مقیاس سراسری ایجاد شوند.

اما نکته بسیار مهمی که در این جا ضروری است حتما به آن اشاره شود، کم‌کم توجهی به خواست‌های اخص رانندگان مزدبگیر در این اعتصاب است. رانندگان و شاگرد رانندگانی که مزد آن ها باید توسط کامیون‌دارها (مالکان کامیون) پرداخت شود. دستمزد این بخش از رانندگان بسیار ناچیز است و در اعتصاب سراسری اخیر نیز شدیداً تحت فشارهای مالی و اقتصادی قرار گرفته و هیچ‌گونه تغییری در وضعیت دستمزد آن‌ها بوجود نیامده است. بی‌توجهی به خواست این بخش از رانندگان، می‌تواند به اعتصاب و آینده آن اسبب برساند. در اعتصابات سراسری قبلی نیز علی‌رغم حضور موثر و فعال رانندگان مزدبگیر و شاگرد راننده‌ها که سرانجام دولت پذیرفت کرایه حمل‌ونقل بار ۲۰ درصد اضافه شود، تغییری در وضعیت دستمزد رانندگان ایجاد نشد. خواست رانندگان زحمتکش و مزدبگیر همچنان تحت‌الشعاع خواست‌های عمومی‌تر است. این کمبود و نقیصه بزرگ باید برطرف شود. این نکته بسیار مهم و در عین حال ظریفی است که در اعتصابات سراسری رانندگان کامیون و کامیون‌داران، در

پیام ناشنیده اعتراضات مردم عراق

جمهوری، ایران در برابر فؤاد حسین از حزب دمکرات کردستان، از برهم صالح از اتحادیه میهنی پشتیبانی می‌کرد که سرانجام با ۱۲۰ رأی این پست را به دست آورد. حتماً گفته می‌شود صالح که برای مدتی از اتحادیه میهنی جدا شده بود به تشویق قاسم سلیمانی دوباره به این جریان پیوست تا برای این مقام کاندید شود. جمهوری اسلامی ایران نیز اولین کشوری بود که انتخاب برهم صالح به ریاست جمهوری را تیریک گفت. سرانجام، عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر موقت، مأمور تشکیل کابینه از سوی رئیس جمهور عراق، از بنیان‌گذاران و سران مجلس اعلای اسلامی عراق تا سال ۲۰۱۶ بود. وی در این سال پس از اختلاف با عمار حکیم از این تشکیلات خارج شد ولی به حزب دیگری نپیوست. به گفته منابع عراقی، رهبران هر دو فراکسیون شیعی سائرون و الفتح، با انتصاب عبدالمهدی به نخست‌وزیری موافق بودند. آنان در واقع با این انتخاب مانع شدند گروهی خود را پیروز معرفی کند. انتظار می‌رود کابینه‌ی وی متشکل از تکنوکرات‌ها یا تکنوکرات‌ها و نامزدهای احزاب و ائتلاف‌ها باشد. مقتدی صدر نیز ضمن پذیرش عبدالمهدی به عنوان نخست‌وزیر، توصیه کرده است، وزارتخانه‌ها باید در دستان "تکنوکرات‌های مستقل" باشد، در غیر این صورت موضع دیگری اتخاذ خواهد کرد.

انتصاب این سه تن و عدم ابراز مخالفت جدی از سوی ایران یا آمریکا، حاکی از توافقات پشت پرده بین ائتلاف‌های موجود و کشورهای حامی آن‌هاست. هرچند بسیاری آن را موفقیت دیگری به نفع ایران در چینش مهره‌های مورد نظر خود، در محدوده‌ی شرایط سیاسی کنونی عراق، می‌دانند.

به این ترتیب، در حالی بار دیگر مناصب و مقامات دولت عراق، دست به دست می‌شوند که تنها دو ماه پس از انتخابات، شهرهای جنوبی عراق از جمله بصره، صحنه اعتراضات مردمی بودند که از شرایط طاقت‌فرسای خود به خشم آمده و به خیابان‌ها سرازیر شده بودند تا به بی‌آبی، بی‌برقی، بیکاری، فقر و تورم، کمبود خدمات درمانی و سرانجام، فساد سیاستمداران دولتی اعتراض کنند. طبق اخبار منتشر شده، پس از آن نیز مردم شاهد آدم‌ربایی‌ها و ترور افرادی هستند که در سازماندهی این راهپیمایی‌ها دست داشتند.

این افراد که اکنون با ادعای "بازسازی عراق"،

"بهبود وضعیت اقتصادی"، "مبارزه با فساد" و ده‌ها وعده دیگر می‌روند تا بر مسندهای قدرت تکیه زنند، بارها پیش از این در مسندهای دیگر به آزمون گذاشته شده‌اند و ثابت کرده‌اند دغدغه آنان کسب پست‌ها و امتیازات مالی همراه آن است، نه بهبود وضعیت مردم عراق.

همین چندی پیش، پس از سه سال جنگ داخلی، سرانجام رهبران سیاسی عراق، هزیمت نیروهای داعش را اعلام کردند. ادعایی بی‌پایه، زیرا جدا از آن که هنوز هم نیروهای داعش در عراق حضور داشته و فعال هستند، علل اصلی پیدایش داعش همچنان پابرجایند. این علل، همانا عدم پاسخگویی جناح‌های حاکم بورژوازی به نیازهای اولیه مردم و تلاش برای ترمیم شکاف‌های سیاسی، فرقه‌ای و قومی و بی‌اعتنایی آنان به منافع اکثریت مردم است. عواملی که می‌توانند موجب درگیری‌های دیگری باشند که به فروپاشی و ویرانی هر چه بیشتر کشور و وخامت شدیدتر وضعیت زندگی مردم عراق خواهد انجامید. گو آن که در سالیان گذشته، هر بار که درگیری و کشمکش پایان یافته، هیولایی بزرگتر سر برآورده است. این بار نیز باید در صورت ادامه وضعیت کنونی همین انتظار را داشت.

در سایه سالیان متمادی دیکتاتوری، تحریم، جنگ‌های خارجی و درگیری‌های فرقه‌ای داخلی، دخالت کشورهای هژمونی‌طلب منطقه مانند ایران و ترکیه و عربستان و امپریالیسم آمریکا و متحدانش، ویرانی، عدم امنیت، آوارگی، فقر، بیکاری و محرومیت حتماً از نیازهای اولیه زندگی، مردم عراق را در گردابی ژرف فرو برده است.

با وجود این، کورسوه‌های امیدی نیز به چشم می‌خورند. روز جمعه، ۶ مهر، بار دیگر صدها تن از ساکنان بغداد در اطراف میدان التحریر گردآمدند تا به وضعیت وخیم معیشتی و فساد گسترده در میان سیاستمداران عراقی اعتراض کنند. هر چند پیام‌های مردم در میان سیاستمداران گوش شنوایی نمی‌یابند و هر بار نیز مزدوران سرکوبگر نظامی و شبه نظامی به مقابله با آنان گسیل می‌شود، اما تنها راه رهایی مردم عراق از نکبت کنونی، استمرار این مبارزات و اعتراضات است تا باشد با اتحاد و همبستگی، فارغ از مرزهای مذهبی و قبیله‌ای و ملیتی دزدان و نالایقان حاکم بر سیاست عراق را بیرون رانند و دست اربابان بین‌المللی‌شان را از سر خود کوتاه کنند.

کمک های مالی

کانادا- ونکوور

دمکراسی شورایی ۱ ۵۰ یورو
دمکراسی شورایی ۲ ۵۰ یورو
دمکراسی شورایی ۳ ۵۰ یورو

سوئیس

علی اکبر صفایی فراهانی ۳۰ فرانک
سیامک اسدیان (اسکندر) ۴۰ فرانک
حمید اشرف ۳۰ فرانک
محمد کاسه‌چی ۵۰ فرانک
امیر نبوی ۵۰ فرانک

دانمارک

هوشنگ احمدی ۲۰۰ کرون
دکتر نریمیس ۲۰۰ کرون
خروش (اکتبر) ۲۰۰ کرون

سوئد

زنده باد آزادی،
زنده باد سوسیالیسم ۲۰۰ کرون

کانادا

خیرالله حسونند (اومانیته) ۵۰ یورو
Ha.Adeli ۵۰ یورو

جشن اومانیته ۳۲۶۰ یورو
بدون کد ۵۰ فرانک سوئیس
مسافر ۱ ۵۰ یورو
مسافر ۲ ۵۰ یورو
صفایی فراهانی ۱۰۰ یورو
به یاد احمدزاده ۷۰ یورو
امیر پرویز پویان ۵۰ یورو
سعید سلطانپور ۵۰ یورو
شوراها ۵۰ یورو
ابراهیم شریفی ۵۰ یورو
همبستگی با ۱۰۰ یورو
کامیون‌انان اعصابی ۹۰ یورو
جان‌باختگان فدائی

زنده باد، همبستگی بین المللی کارگران

پیام ناشنیده اعتراضات مردم عراق

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

Gironummer 2492097

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:
NL08INGB0002492097
BIC: INGBNL2A
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>
آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat
آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توییتر

<https://twitter.com/fadaiana>
آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>
آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 792 October 2018

سیاسی خود ادامه داد. برهم صالح، رئیس جمهور، از اعضای اتحادیه میهنی کردستان، پیش‌تر معاون نخست وزیر سابق عراق، نوری مالکی بود. وی همچنین در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ نخست‌وزیر اقلیم کردستان بوده است. عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر، از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱، یکی از معاونان رئیس جمهور وقت عراق و وزیر نفت عراق در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ بود. تقسیم مناصبی عاری از پشتوانه آرای مردم حتا در یک نظام پارلمانی بورژوازی، زیرا نزدیک به ۶۰ درصد مردم در انتخابات شرکت نکرده بودند. انتخاب این افراد، حاصل زد و بند و توازن قوای گروه‌های رقیب و نقش بازیگران اصلی پشت صحنه سیاست عراق، ایران، ترکیه و آمریکا و متحدانش به ویژه عربستان است. الحلبوسی که نامزد ائتلاف حشدالشعبی برای این سمت بود، در اولین صحبت‌های خود پس از انتخابش، اعلام کرد با محاصره اقتصادی ایران مخالف است. برای تصدی پست ریاست در صفحه ۷

احزاب و ائتلاف‌های گوناگون برای تشکیل کابینه بود. و سرانجام، کشاکش میان سه رقیب اصلی، یعنی ائتلاف سائرون، متشکل از پیروان مقتدی صدر و حزب کمونیست عراق و چندین حزب و گروه کوچک‌تر، ائتلاف فتح‌المبین به سرکردگی هادی عامری، فرمانده سپاه بدر، و ائتلاف نصر، به رهبری حیدر عبادی، نخست‌وزیر پیشین عراق بر سر تقسیم پست‌های دولتی بود. کشاکشی که عرصه‌های دیگر از زورآزمایی دولت‌های خارجی پشتیبان هر یک از این سه نیرو بود. با تقسیم پست‌های دولتی، بار دیگر روند سیاسی‌ای که از سال ۲۰۰۳، یعنی پس از حمله نظامی آمریکا به عراق، در جریان است، تکرار شد. در این روند، این سیاستمداران نیستند که از صحنه خارج می‌شوند، بلکه پست‌ها و مقام‌هاست که در میان‌شان دست به دست می‌شود. محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان عراق، در سال ۲۰۱۴، معاون رئیس پارلمان عراق بود، اما بعد از انتخابات در همان سال، پارلمان را ترک کرد و در سمت استانداری استان الانبار به فعالیت



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می‌رسانیم که: برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Satellite Yahsat ماهواره یاه ست
Frequency ۱۱۷۶۶ فرکانس
Polarization Vertical عمودی
Symbol rate ۲۷۵۰۰ ریت
FEC ۵/۶ اف ای سی

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران
(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)
بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران
(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید.
۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

www.didgah.tv
www.glwiz.com

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>
<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهم‌زمان در ایران، اروپا و آمریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی